

بررسی عملکرد سازمان ملل متحد در دفاع از حقوق زنان

مهدیه شادمانی

چکیده

از هنگام تأسیس سازمان ملل، اسناد و کنوانسیون‌های متعددی با عنوان حمایت از حقوق زنان به تصویب رسیده است، اما نکته قابل تأمل عدم ضمانت اجرایی و تعارض اسناد با قوانین داخلی کشورها می‌باشد. افزایش خشونت علیه زنان، تجاوز، فقر، مهاجرت و هرزه‌نگاری نمونه‌هایی از عدم موفقیت این نهاد مهم بین‌المللی در دفاع از حقوق زنان است. با توجه به این مسائل، پژوهشگر در این تحقیق با بررسی انواع حمایت از حقوق زنان از سوی سازمان ملل متحد، میزان موفقیت آن را نیز مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه

اسناد بین‌المللی، تجاوز، حقوق زنان، حقوق بشر، سازمان ملل متحد.

مقدمه

زنان یکی از مهمترین گروه‌های اجتماعی متأثر از کیفیت زندگی و در عین حال موثر بر آن می‌باشند. این گروه عظیم اجتماعی، از آنجا که ارتباط موثری با گروه‌های اجتماعی جامعه دارند، علاوه بر وظایف شخصی و خانوادگی نقش فعالی را در پیشرفت‌های اجتماعی و توسعه پایدار آن ایفا می‌کنند. زنان نقش بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای در فعالیتهای اجتماعی دارند، آنان برای تسریع روند تغییر به همین دلیل کشورهایی و توسعه پایدار جامعه، مسئولیت بسیار جدی و تعیین‌کننده‌ای بر عهده دارند. (علیزاده، ۱۳۸۹: ۵۰)

با توجه به این نقش تأثیرگذار، نهادهای بین‌المللی مختلفی در جهت تثبیت جایگاه آنان در اجتماع و زندگی فردی، اقدامات گوناگونی را انجام داده‌اند. در این میان سازمان ملل، به عنوان اصلی‌ترین نهاد بین‌المللی از دو طریق سیستم حمایتی در تنظیم اسناد و اجرای کنفرانس‌های بین‌المللی گام‌هایی را برداشته است، اما پرسش اصلی محقق در این پژوهش، میزان ضمانت اجرای معاهدات و قوانین تصویب شده و همچنین نظارت در جهت تضمین حقوق زنان است.

۱. کارکرد سازمان ملل متحد

در ابتدا، به منظور افزایش آگاهی علاقه‌مندان تحقیق در حوزه مسائل زنان، به بحث بررسی موضوع حقوق زنان و حمایت‌های بین‌المللی از آنان، به خصوص عرصه کارکرد سازمان ملل متحد می‌پردازیم. در این پژوهش به اهم کارکردهای سازمان ملل در دو مقوله، توجه شده است:

۱-۱ سیستم حمایتی سازمان ملل در تهیه و تنظیم اسناد و معاهدات بین‌المللی

در این زمینه، اسناد و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی بسیاری انعقاد یافته است که کشورهای گوناگون، در آن عضو و متعهد به اجرای مفاد آن هستند. این اسناد

بین‌المللی و کنوانسیون‌ها هرکدام با توجه به موضوع و هدف خود، در مقوله خاصی از حقوق بشر تهیه و تنظیم شده‌اند که بر اساس آن از زنان، کودکان، اقلیت‌ها، کارگران مهاجر و ... حمایت‌های ویژه‌ای می‌کنند.

الف. اعلامیه حقوق و کنوانسیون‌های عام

– منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵

با تشکیل سازمان ملل متحد، وضعیت حقوقی زنان بهبود یافته و همزمان با دیگری موضوعات مطرح شده در سازمان ملل، مورد توجه همه دولت‌ها قرار گرفته و موجب پدید آمدن اسناد بین‌المللی در تضمین حقوق زن شده است. منشور ملل متحد، اولین سند بین‌المللی الزام‌آور است که تساوی زن و مرد را برای دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، به صورت واضح و آشکار ذکر کرده است. از ۱۶۰ نماینده امضاء کننده منشور ملل متحد، چهار نفر زن بوده‌اند که عبارتند از:

۱. مینروا برناردینو، جمهوری دومینیکین

۲. ویرجینیاسی، گیلدرسلو ایالات متحده

۳. برتالوتز برزیل

۴. وویی، فنگ چین

در مقدمه منشور آمده است: «ما مردم ملل متحد، با تصمیم ... اعلام مجدد ایمان خود ... به تساوی حقوق بین مرد و زن ... و برای نیل به این هدف‌ها ... مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد، تشریک مساعی کنیم.»

هیچ سند حقوقی قبلاً به این شدت و قدرت به برابری همه انسان‌ها تأکید نکرده بود و به خصوص، تبعیض بر اساس جنسیت را محکوم نکرده بود.

در مقدمه منشور، «بند سوم» به «حصول همکاری بین‌المللی و ... پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، زبان و مذهب» تأکید شده است.

همین عبارت، در بند «ب» ماده ۱۳ منشور درباره وظایف مجمع آمده است: «ترویج همکاری بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب» و در ماده ۵۵، بند «ج» باز هم بر تساوی بین زنان و مردان تأکید می‌کند: «احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد - جنس و زبان یا مذهب.»

در میان هدف‌های اساسی، نظام قیومیت نیز بر طبق مقاصد ملل متحد «تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب ...» و «تأمین رفتار یکسان در امور اجتماعی، اقتصادی و تجاری برای همه اعضای ملل متحد و اتباع آن‌ها و نیز رفتار یکسان در اجرای عدالت برای اتباع مزبور» قرار دارد.

تساوی زنان و مردان در تصدی مشاغل و مناصب در چارچوب ملل متحد، در ماده هشت منشور آمده است: «سازمان ملل متحد برای تصدی هر شغلی به هر عنوان، تحت شرایط مساوی، در ارکان اصلی و فرعی خود هیچگونه محدودیتی در استخدام مردان و زنان برقرار نخواهد کرد.» توجه و دقت در موارد منشور که درباره حقوق بشر است و مقدمه آن، بیانگر آن است که منشور در گام نخست، همه افراد را به عنوان انسانهایی که واجد حیثیت و شرف انسانیانند، در نظر می‌گیرد و برای حفظ و تداوم آن راه کارهایی ارائه می‌دهد که توسط مجمع عمومی و شورای اقتصادی - اجتماعی باید انجام شوند.

البته در عمل، سازمان ملل در زمینه کاربرد صحیح و مؤثر منابع انسانی و مدیریت بهینه - آن طور که ادعا کرده - ناتوان و ناموفق بوده است و نتوانسته این تساوی و عدم تبعیض را در یک سازمان بین‌المللی اجرا نماید.

در سال ۱۹۸۶، کارشناسان «گروه ۱۸» به این نتیجه رسیده بودند که مدیریت و خط مشی استخدامی در سازمان ملل متحد به علت فشارهای سیاسی و عوامل دیگر مؤثر بر انتخاب کارکنان، آسیب دیده است. آن‌ها از مجمع عمومی تقاضا کردند که انتخاب و گماردن کارکنان را بر اساس اصول منشور ملل متحد تضمین کند. هفت سال بعد، در آوریل ۱۹۹۳، نماینده کارکنان تأکید کرد: «آیین‌های مدیریت، سیاست‌های جذب نیرو و ترفیع باید به طور روشن، بخردانه، منصفانه و به دور از هرگونه تبعیض و سمت‌گیری سیاسی، ساخته و پرداخته شود.

بدین ترتیب، با وجود نیم قرن تلاش، در جهت تحقق حقوق برابر، مندرج در ماده هشت منشور و نیز گذشت ۲۵ سال از صدور قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی، به نظر می‌رسد که پرکردن خلأ موجود بین سیاست‌گذاری‌های مربوط و فعلیت یافتن برابری مورد نظر (البته اگر این سیاست‌گذاری را صحیح و مطابق فطرت انسانی بدانیم)، منشور نیازمند سپری شدن سال‌های بسیار است. (توحیدی، ۱۳۸۲)

ب. میثاق حقوق مدنی و سیاسی

مطابق ماده ۲ میثاق، دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که حقوق شناخته‌شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو یا تحت صلاحیت خود بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب، یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین کنند. همچنین ماده ۳ مقرر می‌کند: دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده در این میثاق تأمین کنند. مفاد این میثاق منبع اصلی شناسایی حقوق مدنی و سیاسی زنان است. مواد ۶ تا ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حقوقی را برای افراد مشخص می‌سازد. از جمله این حقوق می‌توان به حق حیات، منع شکنجه، منع بردگی و کار

اجباری، حق آزادی و امنیت شخصی، حق عبور و مرور آزادانه، حق حریم خصوصی، آزادی اندیشه و مذهب، آزادی بیان، حق ازدواج و تشکیل خانواده، حق مشارکت در اداره امور عمومی و ... اشاره نمود.

میثاق مزبور دولت‌ها را ملزم می‌کند تا گام‌های لازم برای اتخاذ اقدامات قانونی و دیگر اقدامات لازم برای اجرای حقوق شناخته‌شده در این سند را بردارند. مواد ۲۸ تا ۴۵ میثاق به کمیته حقوق بشر مربوط می‌شود که در بخش سازوکارهای اجرای حقوق مزبور مورد توجه قرار می‌گیرد.

ج. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

مطابق ماده ۲ میثاق، دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که حقوق شناخته‌شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو یا تحت صلاحیت خود بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب، یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین کنند.

همچنین ماده ۳ مقرر می‌کند: دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش‌بینی شده در این میثاق تأمین کنند. مفاد این میثاق منبع اصلی شناسایی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان است. مواد ۶ تا ۱۳ میثاق، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این حقوق را مشخص می‌سازد، که عبارتست از حق کار و بهره‌مندی از شرایط مطلوب کار، حق تشکیل مجامع کارگری، حق تأمین اجتماعی، حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی، حق برخورداری از بهداشت و حق برخورداری از آموزش. طبق میثاق مزبور تحقق حقوق شناخته‌شده در آن به تدریج حاصل خواهد شد و طرف‌های متعهد ملزم هستند به منظور دستیابی تدریجی به تحقق کامل حقوق پذیرفته‌شده در آن با حداکثر منابع تحت اختیار خود گام‌هایی را بردارند. (شفیق، ۱۷/۳۶)

د. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان؛ مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی

(مطابق با ۱۳۵۸/۹/۲۸ شمسی)

- مجمع عمومی سازمان ملل متحد

دول عضو کنوانسیون حاضر، با عنایت به اینکه منشور ملل متحد بر پایبندی به حقوق اساسی بشر، کرامت و ارزش هر فرد انسانی و برابری حقوق زن و مرد تأکید دارد. با عنایت به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل قابل قبول نبودن تبعیض را تأیید نموده، اعلام می‌دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق یکسان بوده و بدون هیچگونه تمایزی، از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه بهره‌مند شوند.

در ماده ۱ از نظر این کنوانسیون، عبارت: «تبعیض علیه زنان»، به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً، هدفش از بین بردن این وضعیت است.

در ماده ۲ دولت‌های عضو، تبعیض علیه زنان را به هر شکل محکوم می‌نمایند و موافقت می‌نمایند بدون درنگ، به طرق مقتضی، سیاست رفع تبعیض علیه زنان را تعقیب نمایند و بدین منظور، بر امور زیر تعهد می‌نمایند:

- گنجانیدن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی یا دیگر قوانین متناسب داخلی خود، اگر تاکنون چنین کاری انجام نشده و حصول اطمینان از تحقق عملی این اصل، از طریق وضع قانون (منظور قوانین عادی لازم‌الاجراست) و طرق مناسب دیگر.

- اتخاذ تدابیر قانونی و غیره از جمله وضع ضمانت اجراهای مناسب به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان.

- حمایت قانون از حقوق زنان بر اساس تساوی با مردان و حصول تضمین و اطمینان از حمایت مؤثر زنان علیه هر نوع تبعیض، از طریق دادگاه‌های صالح ملی و دیگر مؤسسات عمومی.

- خودداری از انجام هرگونه اقدام و عمل تبعیض‌آمیز علیه زنان و تضمین اینکه مقامات و مؤسسات عمومی بر طبق این تعهد عمل نمایند.

- اتخاذ هرگونه اقدام مناسب برای رفع تبعیض علیه زنان توسط هر فرد، سازمان یا مؤسسه.

- اتخاذ تدابیر لازم، از جمله تدابیر قانونگذاری، برای تغییر یا لغو قوانین، مقررات، عادات و عملکردهایی که نسبت به زنان تبعیض‌آمیز هستند.

- نسخ کلیه مقررات کیفری داخلی که تبعیض علیه زنان را در بردارند.

و. «کمیسیون جایگاه زنان» وابسته به شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد

«کمیسیون جایگاه زنان» وابسته به شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد در پنجاهمین اجلاس خود که از تاریخ ۲۷ فوریه تا ۱۰ مارس ۲۰۰۶ برگزار شد، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تحت عنوان افزایش مشارکت زنان در توسعه؛ یک محیط توانمندساز برای دستیابی به برابری جنسیتی و پیشرفت زنان با تأکید بر حوزه‌های آموزش، بهداشت و اشتغال تصویب رساند.

- بخش آموزش

الف. درخواست از تمامی مؤسسات آموزشی برای اتخاذ سیاست‌هایی در جهت جلوگیری از خشونت و آزار دختران و زنان که در بردارنده سازوکارهایی برای ارائه شکایت و همچنین نظارت مؤثر بر اجرای این سیاست‌ها باشد.

ب. ارتقای آموزش معلمان نسبت به دیدگاه‌های رایج کلیشه‌ای و همکاری با گروه‌های مختلف در جهت برخورد ریشه‌ای با علل نابرابری و تبعیض.

ج. از بین بردن نگاه تبعیض‌آمیز جنسیتی در برنامه‌ها و روش‌های آموزشی که باعث پایداری نابرابری‌های جنسیتی می‌شوند و تدوین برنامه‌ها و مواد آموزشی ویژه در زمینه برابری جنسیتی در تمام سطوح آموزشی برای دختران و پسران.

- بخش بهداشت

الف. در نظر گرفتن ملاحظات جنسیتی در اصلاحات بخش بهداشت و توجه به نیازها و اولویت‌های خاص زنان شامل بهداشت جنسی و تولیدمثل؛

ب. تدوین و توسعه راهبردهایی برای مشارکت و مشاوره زنان در طراحی، اجرا و نظارت بر سیاست‌ها و برنامه‌های بهداشتی از جمله گروه‌ها و شبکه‌های زنان به منظور اطمینان از توجه به اولویت‌ها و نیازهای زنان خصوصاً در مورد بهداشت جنسی و تولید مثل؛

ج. ارائه راهکارهای جامع بخش بهداشت در زمینه آثار مختلف خشونت علیه زنان با بهره‌گیری از توان بالقوه خدمات بهداشت تناسلی، شناسایی زنان آسیب‌دیده به منظور ارائه خدمات ارجاعی و حمایتی و سرانجام حل این مشکل که بسیاری از زنان آسیب دیده از درخواست کمک اکراه دارند؛

د. تضمین اینکه آموزش بهداشت به نیازها و اولویت‌های زنان، از جمله بهداشت جنسی و تولید مثل، طی چرخه زندگی آنها توجه دارد؛

- بخش اشتغال

الف. حذف تفکیک شغلی و شکاف‌های درآمدی مبتنی بر جنسیت با افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان و دختران جهت کار در بخش‌های غیر سنتی از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛

ب. تدوین و تقویت راهبردهایی به منظور افزایش مشارکت زنان در پست‌های مدیریتی در بخش‌های رسمی و غیر رسمی و جمع‌آوری داده‌ها به صورت منظم برای کنترل پیشرفت این امر؛

ج. تضمین دسترسی زنان کارآفرین به فرصت‌ها و منابع اقتصادی مانند زمین، اعتبارات، آموزش، دسترسی به اطلاعات و ارتباطات؛

د. شروع و افزایش اقدامات و ابتکارات لازم در جهت تشویق مردان و زنان به ایجاد توازن بین کار و زندگی از جمله تشویق مرخصی زایمان، در نظر گرفتن تسهیلات برای مراقبت از کودکان آنها و نیز طرح‌های بیمه درمانی و مستمری با جهت‌گیری جنسیتی. (خرازی، ۱۳۸۶: ۲۱۹-۲۱۸)

۲. بررسی کنفرانس‌های بین‌المللی مؤثر در تدوین و توسعه حقوق زنان

درباره حقوق بشر و خصوصاً حقوق زنان، تاکنون کنفرانس‌های بسیاری توسط سازمان ملل و دولت‌ها در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی برپا شده است. در موضوع حقوق بشر، دو کنفرانس عمده در سال ۱۹۶۸، در تهران و ۱۹۹۳ در وین، برگزار گردیده است. اولین کنفرانس، در آستانه بیستمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و همزمان با سال بین‌المللی حقوق بشر برای بررسی پیشرفت‌های به دست آمده حقوق بشر از زمان تصویب اعلامیه و بررسی راه کارها و راه‌حل‌های مورد استفاده سازمان ملل، جهت تنظیم برنامه‌های بعدی، از ۲۲ آوریل تا ۱۳ مه ۱۹۶۸ در تهران برگزار شد و تصمیمات آن به صورت قطعنامه‌ای به نام «اعلامیه تهران» صادر گردید که در آن به همه موضوعات مطرح حقوق بشر آن زمان پرداخته شده بود.

کنفرانس دوم حقوق بشر، در ژوئن ۱۹۹۳ در وین، برگزار شد که حاصل کار کنفرانس به عنوان «اعلامیه وین و برنامه عمل» به تصویب اجماع نمایندگان ۱۷۱ دولت رسید. در اعلامیه این کنفرانس به مباحث جهانی بودن و توسعه حقوق بشر، همکاری‌های بیشتر دولت‌ها در زمینه حقوق کودکان، حقوق زنان، اقلیت‌ها و ... پرداخته شد. علاوه بر دو کنفرانس فوق، کنفرانس‌های دیگری هم توسط سازمان ملل متحد برگزار گردیده است که هر کدام گام‌های بلندی در جهت تشویق، ترویج و احترام به حقوق بشر محسوب می‌شوند. این کنفرانس‌ها عبارتند از:

- کنفرانس ملل متحد درباره آزادی اطلاعات، سال ۱۹۴۶؛
- کنفرانس ملل متحد در مورد مقاله‌نامه تکمیلی مربوط به لغو برده‌داری، تجارت برده و نهادها و رویه‌های مشابه برده‌داری، سال ۱۹۵۴؛
- کنفرانس ملل متحد درباره از بین بردن بی‌وطنی یا تقلیل آن در آینده، سال ۱۹۵۴؛
- کنفرانس ملل متحد در زمینه وضعیت پناهندگان و افراد بی‌وطن؛
- کنفرانس‌های چهارگانه ملل متحد در خصوص وضعیت زنان (کنفرانس مکزیکوسیتی در سال ۱۹۷۵، کنفرانس کینهاک در سال ۱۹۸۰، کنفرانس نایروبی در سال ۱۹۸۵، کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵ و کنفرانس نیویورک در سال ۲۰۰۰) (توحیدی، ۱۳۸۹)

۳. قوانین داخلی ایران و معیارهای بین‌المللی حقوق زنان

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب با وضع قوانین منطبق با اسلام در حفظ حقوق زنان در عرصه‌های فردی و اجتماعی کوشیده است، اما در حوزه بین‌الملل با توجه به تعارض قوانین شرع و اندیشه‌های غربی در خصوص جایگاه زنان و تساوی حقوق زن و مرد، جمهوری اسلامی ایران با اختلافات و تعارضاتی روبرو بوده است. در ذیل به مشکلات ایران و تعارضات موجود در خصوص قوانین داخلی و اسناد و معاهدات سازمان ملل در خصوص زنان با بررسی کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان اشاره می‌گردد:

۴. کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان

در اوایل سال ۱۳۷۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی با تشکیل کمیته‌ای به بررسی کنوانسیون پرداخت. همچنین متن کنوانسیون در اختیار چند تن از فضایی حوزه علمیه قم و نیز واحد مطالعات و تحقیقات زنان مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما و مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه قرار گرفت تا مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین از مقام معظم رهبری و برخی مراجع و علما استفتاء و نظرخواهی به عمل آمد. سرانجام شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۷۶/۱۱/۱۴ طی مصوبه چهارصد و سیزدهم، مخالفت خود را با الحاق جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون اعلام نمود. (دانش پژوهان/۱۳۸۵)

عامل مهم و اصلی که بررسی و تصویب لایحه الحاق ایران به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌کند، مغایرت صریح برخی از مفاد این کنوانسیون با قوانین شرع، قانون اساسی و قوانین موضوعه کشورمان می‌باشد. در واقع نوع تعریفی که در این کنوانسیون از حقوق زنان ارائه شده و توصیه‌هایی که برای رعایت حقوق آنان به عمل آمده و نیز مصادیقی که علیه زنان معرفی شده است، در مواردی متعددی با آنچه از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان اصول قانونی و شرعی پذیرفته شده، در مغایرت صریح است. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، هر نوع استثناء شدن و اعمال محدودیت‌های خاص را برای زنان که موجب لغو آزادی‌های و حقوق آنان شود، تبعیض دانسته است. (بصیری، بنی نجاریان، جلالی، ۱۳۸۵: ۸۹-۸۸)

۵. جدول مقایسه‌ای مواد کنوانسیون و مغایرت آن با حقوق و قوانین داخلی (رئیس، ۱۳۸۷)

مواد کنوانسیون	مواد قانون مدنی و قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران
ماده ۲	اصل ۱۱۵ قانون اساسی و مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۲۵۸ و کلیه مواد قوانین مدنی، جزایی، کیفری که تفاوت‌هایی بین زن و مرد قائل است.
ماده ۴	مواد ۱۰۸۵، ۱۰۹۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۸، ۱۰۲۳، ۱۲۰۶ قانون مدنی، قانون اجرت‌المثل مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام که تمایزی به نفع زن قائل است، ماده ۱۰۹ قانون امور حسبی، ماده ۴۱ قانون ثبت احوال، ۷۲، ۹۲، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۲
ماده ۵	مغایرت با عرف پسندیده روابط اجتماعی زن و مرد و احکام واجب شرعی مانند حجاب و مواد قانونی موجود در قانون مدنی و اجزایی مجلس در رابطه با حفظ عفت عمومی و ارزش‌ها
ماده ۱ و ۲ و ۱۵	مواد ۷۶، ۱۰۲، ۱۱۹، ۱۲۸، ۹۸۴، ۱۱۸، ۱۲۳۳، ۱۰۰۵، ۱۰۵۹، ۱۰۶ قانون مدنی در رابطه با ولایت و تابعیت در خانواده
ماده ۱۱ و ۱۰	مواد قانونی مدنی و قانون ارتش نظیر مواد ۲۳، ۱۹۶، ۱۱۱۷ و تبصره ۱ ماده ۳ قانون اعزام دانشجویان
ماده ۱ و ۲ و ۱۶	مواد ۱۰۴۲، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸ قانون مدنی و تبصره ماده و ۱۲۱۰ و همچنین مواد ۶۲۳، ۶۲۴، ۱۱۱۴، ۱۱۱۷، ۱۱۰۵، ۹۴۲، ۱۱۲۳، ۱۱۳۳، ۱۱۴۸، ۱۱۵۰، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۰۰۶، ۱۰۰۶، ۱۰۰۶، ۱۱۶۹، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۱۱، ۹۱۵، ۹۰۵، ۹۴۹، ۹۴۶، ۹۴۷ قانون مدنی
ماده ۱ و ۲ و ۷	مواد ۱۱۱۴، ۱۱۱۷ قانون مدنی - قانون منع احراز برخی پست‌های اجتماعی توسط زنان
ماده ۲۸	کلیه تفاوت‌های حقوقی و قانونی مطروحه در قوانین داخلی با بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون که تأکید می‌کند: تحفظات و شروطی که با هدف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد پذیرفته نخواهد شد، مغایرت دارد.

۶. الحاق به کنوانسیون با حق شرط مشخص و محدود

منطقی‌ترین پذیرش مشروط یک معاهده بین‌المللی این است که دولت موادی از معاهده را که با مصالح و منافع ملی یا مبانی حقوقی نظام خود سازگار نمی‌بیند و یا به هر دلیل موجه دیگر، آمادگی اجرای آن را ندارد، مشخص کند و عدم التزام و تعهد خود را به آنها اعلام دارد. تا حدی که این امر، منجر به کنار گذاشتن اهداف اصلی معاهده مزبور نشود. چنانکه دیدیم در مورد همین کنوانسیون برخی از کشورها مشخصاً مواد و یا بندهایی از برخی مواد کنوانسیون را ذکر کرده و اعلام داشته‌اند که اجرای آنها را به عهده نمی‌گیرند. در مورد کشورهای اسلامی، دولت مصر به گونه‌ای که ذکر کردیم، با ظرافت و مهارت خاصی در خصوص مقررات ماده ۹، ۱۶ و ۲۹ اعلام حق شرط نموده و درباره الزامات مندرج در ماده ۲ نیز حق شرط کلی عدم مغایرت با احکام اسلامی را اعلام نموده است.

اگر دولت جمهوری اسلامی ایران بخواهد کنوانسیون را تصویب کند، ناگزیر باید از طریق سوم پیروی نماید و در این راستا باید دقیقاً مواد کنوانسیون و مقررات آن را بررسی و با قوانین و مقررات جاری خود مقایسه نماید و آنچه را که به لحاظ مصالح جامعه یا مبانی شرعی و اسلامی نمی‌تواند تغییر دهد، مشخص کند و آنگاه درباره موادی از کنوانسیون که در تعارض با این دسته قوانین و مقررات هستند، اعلام شرط نماید؛ یعنی بر همان سیاق که دولت مصر استدلال نموده، توجیه مستدل و منطقی برای حق شرط خود بنماید.

البته این ترتیب هم با توجه به تعدد موارد مورد اختلاف و برخی اختلافات اساسی، مانند مقررات مربوط به ارزش شهادت زنان و حق قصاص و دیه آنها و مجازات مقرر برای عدم رعایت حجاب و ازدواج صغیر حتماً با اعتراض بسیاری از کشورها مواجه و مغایر اهداف کنوانسیون تلقی و طبق بند ۲ ماده ۲۸ غیر قابل پذیرش اعلام خواهد شد. (رئیس، ۱۳۸۵)

۷. بررسی عملکرد سازمان ملل متحد

امروزه با همه تبلیغاتی که برای ارتقای شخصیت زن و برقراری تساوی کامل حقوق مدنی و سیاسی با مرد می شنویم و با وجود تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی و تشکیل کمیته‌ها و بحث‌های مفصل در این زمینه، گرچه استقبال گسترده کشورها از اسناد مربوط به حقوق زنان گسترده است و اگرچه اقدامات دولت‌ها توسط نهادهایی هم چون: کمیسیون مقام زن، کمیته حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر از طریق آیین گزارش دهی و الزام دولت‌ها به گزارش، نظارت و بررسی می‌شود و دولت‌ها و افراد حق دارند نقض حقوق بشر زنان را گزارش نمایند و مراجع دریافت کننده گزارش، اقدامات لازم را در حیطه اختیارات خود انجام می‌دهند، اما مسئله مهم نوع نگرش و تلقی کشورها به حقوق زنان است، به طوری که زمینه یکی از مسائل مهم و مورد بحث، داد و ستد زنان و تجارت سکس است. در ذیل به مواردی از نتایج ضعف قوانین سازمان ملل در حمایت از زنان اشاره می‌گردد:

۷-۱ تجاوز نظام یافته به زنان در مناقشات مسلحانه

یکی از مشکلات حاد بین‌المللی زنان مسئله تجاوز نظام یافته به زنان در مناقشات مسلحانه است با هدف پاکسازی قومی به طور وحشیانه صورت می‌پذیرد که مسلماً برخورد قاطع و جدی جامعه بین‌المللی می‌تواند تأثیر مطلوبی در جلوگیری از ارتکاب به این اعمال غیر انسانی داشته باشد. به طور مثال در دوره جنگ جهانی دوم، حدود یکصد هزار تا دویست هزار زن به نحوی منظم استخدام یا ربوده شدند و رفتار سبعانه‌ای در موردشان صورت گرفت.

۷-۲ رشد استعمال مواد مخدر در میان زنان و دختران جوان

رشد روزافزون مواد تحذیر کننده در میان زنان جوان و دختران، یکی دیگر از مشکلات فراروی آن‌ها می‌باشد که هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه، گسترش یافته است که نیاز به تلاش‌های فزاینده برای کاهش تقاضا، مبارزه با تولید و تأمین غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر و مواد روان گردان را، افزایش داده است. به طور مثال در حال حاضر از هر ۱۶ هزار زن زندانی در انگلیس یک نفر از آن‌ها با قاچاقچیان مواد مخدر همکاری داشته‌اند. البته تعداد زیادی از این زنان از مادران جوان اهل جزایر کارائیب می‌باشند که با تهدید و ارباب قاچاقچیان مواد مخدر موسوم به باند «یاردی‌ها» وادار به حمل مواد مخدر شده‌اند.

۷-۳ اثر منفی افزایش هزینه تسلیحات نظامی

هزینه‌های زاید نظامی به کاهش روند توسعه اجتماعی و در نتیجه پیشرفت و توسعه زنان منجر می‌گردد و خود، عاملی برای ایجاد تشنج و درگیری مسلحانه - که بیشتر، زنان و کودکان را متأثر می‌سازد - به حساب می‌آید، لذا کاهش این هزینه‌ها و کنترل تسلیحات و به طور کلی خلع سلاح عمومی و کامل، تحت بازرسی قاطع و مؤثر بین‌المللی باید در مدنظر باشد تا جهان به صلح پایدار دست یابد که از جنگ و خشونت در آن اثری نباشد.

۷-۴ هزینه‌نگاری زنان و کودکان

یکی از مواردی که در اعلامیه رفع خشونت علیه زنان نیامده است، ولی دقیقاً با تعریف خشونت علیه زنان منطبق است و گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، آن را یکی از موارد خشونت علیه زنان در جامعه به حساب آورده است، پورنوگرافی یا هزینه‌نگاری زنان و کودکان است که به شدیدترین وجه ممکن به تحقیر و سوءاستفاده جنسی از زنان پرداخته و تأثیرات مخرب و منفی بسیاری نیز در کودکان و نوجوانان و

نیز مشارکت زنان در جوامع می‌گذارد ضمن آن که امروزه یکی از علت‌های خرید و فروش زنان و کودکان و استثمار آن‌ها و نیز به فحشا کشاندن آن‌ها، همین صنعت است.

۵-۷ مهاجرت و پناهندگی زنان

از دیگر مشکلات مهم و مطرح زنان، تغییر آهسته الگوهای پدیده مهاجرت کارگران است؛ زیرا زنان و دختران به طور روزافزونی در مهاجرت کار داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی درگیر هستند تا در پی مشاغل، عمدتاً در کشاورزی، کار خانگی و برخی از اشکال سرگرمی‌ها باشند. در حالی که این وضعیت، فرصت‌های درآمدزایی آنان و خود اتکایی‌شان را افزایش می‌دهد، اما این زنان مهاجر به ویژه افراد فقیر تحصیل نکرده، غیر ماهر و یا مهاجران ثبت نشده (غیر قانونی) را در معرض شرایط کاری نامناسب، همراه با خطرهای فزاینده برای سلامتی‌شان، خطر خرید و فروش آنان، استثمار اقتصادی و جنسی، نژادپرستی، تبعیض و بیگانه‌ستیزی و دیگر شکل‌های سوءاستفاده قرار می‌دهد که این امر مانع برخورداری آنان از حقوق انسانی‌شان است، می‌شود. (توحیدی، ۱۳۸۲)

۶-۷ نقاط ضعف گسترده کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

الف. تعارض با دین اسلام

با مطالعه مفاد این معاهده، تعارض آن با احکام شرعی زیر کاملاً مشهود است:

۱. وجوب حجاب برای زنان (م ۱ و ۱۵)؛
۲. حرمت نظر به جنس مخالف (م ۱۰)؛
۳. تفاوت زن و مرد در میزان دیه (م ۱ و ۱۵)؛
۴. تفاوت زن و مرد در نحوه اجرای حکم رجم (م ۱ و ۱۵)؛
۵. تفاوت زن و مرد در ارث بردن (م ۱ و ۱۵)؛
۶. لزوم تبعیت زن از مرد در محل اقامت (م ۱ و ۱۵)؛

۷. عدم جواز ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان (م ۱ و ۱۶)؛
۸. موکول بودن ازدواج باکره به اذن پدر (م ۱ و ۱۵ و ۱۶)؛
۹. حرمت ازدواج با محارم و خواهر همسر (م ۱۶)؛
۱۰. حرام بودن ابدی ازدواج با زن شوهر دار در صورت زنا با وی (م ۱۶)؛
۱۱. لزوم نگه‌داری عده برای زن (م ۱ و ۱۶)؛
۱۲. حرمت سقط جنین (م ۱۶)؛
۱۳. ولایت انحصاری پدر و جد پدری بر صغیر (م ۱ و ۱۵) (کیهان، ۱۹۷۲۲)

ب. تعارض کنوانسیون با اعلامیه جهانی حقوق بشر

مادری: کنوانسیون «رفع تبعیض از زنان» در مسئله خانواده و مادری، با اعلامیه حقوق بشر تعارض‌های آشکاری دارد. در اعلامیه حقوق بشر، در تأکید بر جایگاه خانواده در ماده ۱۶ بند ۳ چنین آمده است: «خانواده رکن اساسی و طبیعی جامعه است و حق دارد که از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند گردد». همچنین در توجه به امر مادری، در ماده ۲۵ بند ۲ چنین آمده است: «مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. این در حالی است که کنوانسیون «رفع تبعیض از زنان» (کمیته سیدا)، نقض آشکاری را علیه «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، از جمله در مسائل مربوط به خانواده و مادری، انجام داده است. در مقدمه کنوانسیون در بند ۱۴ به این مسئله اقرار می‌کند که یک تحول در نقش سنتی زنان و مردان در خانواده و جامعه به منظور دستیابی به برابری کامل مردان و زنان مورد نیاز است که مسئله تحول در نقش سنتی زنان و معنای حقیقی آن در توصیه‌ها و انتقادات کمیته «سیدا» (کمیته پیگیر اجرای کنوانسیون رفع تبعیض از زنان) این موضوع به وضوح نشان می‌دهد: کمیته «سیدا» در ژانویه ۲۰۰۰ خطاب به بلاروس اظهار می‌دارد: «حمایت بهداشتی - درمانی و مقررات و قوانین دوران بارداری، موجب کاهش استانداردهای حمایتی و تبعیض نسبت به زنان

در مشاغل می‌شود». در جای دیگر، خطاب به جمهوری چک با نگرانی، به افزایش اقدامات حمایتی از حاملگی و مادری توجه کرده و به آن اخطار داده است.

ج. تعارض کنوانسیون با منشور سازمان ملل (حاکمیت ملی)

در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد آمده است: «تمام اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود.» بند ۱ سازمان ملل بر مبنای اصل «تساوی حاکمیت تمام اعضا» آن قرار دارد.

در بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد آمده است: «هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، سازمان ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند.»

با وجود تأکید منشور بر احترام و ارج نهادن به حاکمیت ملی کشورها، کمیته سیدا آن را بارها نادیده گرفته و بعضی از دولت‌های عضو را در حوزه‌های نبود تطابق در مسائل حکومتی با موازین کنوانسیون و همچنین با وجود شرط و تحفظ کشورها در خصوص قوانین خاص کشورشان، آماج انتقاد یا توبیخ و تحت فشار داده است. (بیگم طاهری، مکرمی، ۱۳۹۳: ۸۴-۸۰)

۸. خشونت علیه زنان

امروز سازمان‌های طلایه‌دار مبارزه با خشونت علیه زنان مانند سازمان ملل متحد، ابتدا انسان را اعم از زن و مرد در اقیانوسی از ارزش‌های لیبرالی و بی‌پروا از آمیزش تعریف می‌کنند و پس از آنکه ریسک خشونت را در این فضای فراحیوانی بالا می‌برند به تعریف ساز و کارهای خشونت می‌پردازند. در این فاز دوم نیز اساس فلسفی نگاه

به جنسیت و حقوق و وظایف هر یکی از زن و مرد به شیوه‌ای از سوی غرب تعریف می‌شود و تحت نام پژوهش و پروژه‌های علمی مشروع دانسته می‌شود تا بر همگان تحمیل شود. در حالی که معنا، حدود و راه‌های حل خشونت در جوامع متعدد برای ملل و حتی اقوام گوناگون، می‌تواند متفاوت باشد. حتی در بحث ارائه آمار همچنان انتقاداتی به نحوه آمارگیری و تعریف خشونت وارد است. نحوه نمونه‌گیری صحیح و آموزش مصاحبه‌کنندگان و پژوهشگران برای ورود به جامعه آماری باید در دستورکار این سازمان‌ها قرار بگیرد. نهایتاً نگاه غرب به شرق و شمال به جنوب نیز همچنان بر گفتمان "جهانی" به خشونت وجود دارد و نمونه‌های بسیاری وجود دارد که نه تنها ساختار قدرت در قضاوت درباره خشونت علیه زنان و کودکان موثر بوده، بلکه قدرت "خود - بازنمایی" زنان بسیاری در این مسیر به عنوان حق طبیعی از ایشان سلب شده است. (مهرخانه/۴۵۸۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. بصیری، محمدعلی؛ بنی نجاریان، صفورا؛ جلالی، محمود (۱۳۸۵) «ضرورت الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۷۹ منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، مجله نامه مفید، شماره ۵۵.
۲. بیگم طاهری، معصومه؛ مکرمی، علی محمد (۱۳۹۳) «بررسی تعارض‌های کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با دیگر اسناد و معاهدات بین‌المللی»، اندیشه‌های حقوق عمومی، سال سوم، شماره دوم، بهار و تابستان.
۳. توحیدی، احمد رضا (۱۳۸۲) «عملکرد سازمان ملل متحد در قلمرو حقوق زنان»، شمیم یاس، شماره ۲.
۴. جلالی، محمود (۱۳۸۵) «حقوق بشر زنان در حقوق بین‌الملل و وضعیت ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران).
۵. خرازی، فردین (۱۳۸۶) «حقوق زنان و سازمان ملل متحد» پژوهش، شماره ۴۳، بهار.
۶. دانش پژوهان - بهار و تابستان (۱۳۸۵)، شماره ۸ - عدالت در حقوق متقابل زن و مرد.
۷. رئیسی، م (۱۳۸۷) «الحاق یا عدم الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان»، مجله ندای صادق، شماره ۲۹.
۸. علیزاده، مرجان (۱۳۸۹) «نقش اشتغال زنان در توسعه»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ سال دوم، شماره پنجم، پاییز.

۹. سازمان ملل متحد و حمایت از حقوق زنان در نیم قرن اخیر / فاطمه شفیق

<http://mehrkhane.com/fa/news/۸۷۳۶/>

۱۰. خشونت علیه زنان؛ آمارها و اقدامات سازمان‌های بین‌المللی

<http://mehrkhane.com/fa/news/۴۵۸۴>

۱۱. کنوانسیون رفع تبعیض از زنان

www.unic-ir

